

گفت وگو با موبایل قاپی که طعمه هایش را
در سایت های اینترنتی شکار می کرد

برای سرقت رفتم اما مالباخته شدم!



عکس تژیانی است

تماس گرفته و قرار گذاشتم. زمانی که سر قرار رفتم، آنها که نمی دانستند من سارقم و تصور می کردند خریدارم و پول همراه دارم، می خواستند مرا خفت کنند. حتی به نامزدم هم حمله کردند و با کلی دردسروزد و خورد موفق به فرار شدم.

❖ **در سرقت ها چاقو هم داشتی؟**

نه. ولی در آخرین سرقت که می خواستند مرا خفت کنند، خودشان چاقو داشتند و من برای دفاع از خود چاقو را به سختی از یکی از سارقان گرفتم. فقط انگشت دست یکی از آنها زخمی شد ولی کسی آسیب جدی ندید.

❖ **با نامزدت به محل سرقت ها می رفتی؟**

نه. فقط آخرین مورد با او رفتم، اونمی دانست من در کار خلاف هستم. وقتی سارقان ریختند روی سر ما و قصد خفت گیری داشتند، متوجه ماجرا شد اما در سرقت های دیگرم یکی از دوستانم همراهم می شد. او از ماجرای سرقت هایم باخبر بود.

❖ **اگر دستگیر نمی شدی، باز هم ادامه می دادی؟**

باورتان نمی شود، از زمانی که بازداشت شده ام مدام خدا را شکر می کنم که گرفتار شدم. اگر دستگیر نشده بودم، کسی نمی داند چند مورد دیگر سرقت می کردم. سرقت هایی که هیچ پولی هم از آنها دستم را نگرفت. واقعا درست می گویند که با آورده را باد می برد. من نه تنها نتوانستم بدهی هایم را بدهم، بلکه الان کلی رد مال هم به خاطر گوشی های سرقتی دارم و معلوم نیست تا کی قرار است در حبس باشم. آزاد هم شوم، مهر سابقه دار بودن روی پیشانی ام هست و هر جا بخواهم کار کنم، کسی به من کار نمی دهد.

❖ **چطور دستگیر شدی؟**

یکی مشخصات خودروی مرا به واحد های گشت داده بود و پلیس خیلی زود ردم رازد و دستگیر شدم.

❖ **با خودروی خودت سرقت می کردی؟**

بله. البته جایی پارک می کردم که زیر دوربین نباشد و پلیس نتواند رد و سرنخی از من به دست آورد.

❖ **اما باز هم هویت تو توسط پلیس شناسایی شد؟**

در بازداشتگاه متوجه شدم هر شگردی به کار ببری تا دستگیر نشوی؛ باز هم پلیس راهی برای شناسایی و دستگیری ات پیدا می کند.

❖ **و چه باید کرد که مالباخته نشویم؟**

به هر آگهی اعتماد نباید کرد. اگر هم قرار گذاشته شد، باید در محل های معتبر و مطمئن باشد. محل هایی که سارقان نتوانند در چشم برهم زدنی گوشی را بردارند و فرار کنند.

❖ **تو خودت مالباخته بودی، اما باز هم دست به سرقت زدی.**

برایت مهم نبود شخص دیگری هم مثل خودت قربانی باشد؟ من از کسی سرقت می کردم که وضع مالی اش خوب بود.

❖ **از کجا این موضوع را متوجه می شدی که فرد ثروتمند است یا فقیر؟**

وقتی کسی گوشی ۳۰ یا ۴۰ میلیونی دستش دارد، قطعاً وضع مالی خوبی دارد و گرنه این همه پول برای خرید گوشی نمی داد. من از کسی سرقت می کردم که خیلی این سرقت به او آسیب نرساند و از طرفی گره کار من هم باز شود و بتوانم بدهی هایم را پرداخت کنم.

❖ **آزاد شوی، باز هم سرقت می کنی؟**

همین یک بار هم اشتباه کردم، من در خانواده ای با آبرو بزرگ شدم و طمع و وسوسه باعث شد راه را اشتباه بروم و باعث شود آبروی خودم و خانواده ام برود.

❖ **قبل از سرقت کارت چه بود؟**

در یک مغازه موبایل فروشی کار می کردم اما زحمت از من بود و صاحب مغازه سودش را می برد. با این وضع هیچ وقت نمی توانستم پیشرفت کنم.

❖ **الان پیشرفت کردی؟**

نه. زندگی ام نابود شد. نامزدم ترکم کرد و سال ها باید در زندان بمانم.

جرمیش سرقت است، سرقت گوشی تلفن همراه. اما شگردش با سارقان دیگر کمی متفاوت است. نه مثل موتورسواران، اقدام به گوشی قاپی می کردند نه مانند جیب برها، گوشی ها را از جیب هادرمی آورد و در چشم برهم زدنی به سرقت می برد. شگرد شاهین، اما آنچنان هم کار ساز نبود و یکبار، زمانی که برای اجرای نقشه سرقت راهی محل شد، به جای این که از فروشنده سرقت کند، خود مالباخته شد. شاهین، متهم جوانی که سناریوی این سرقت ها را اجرا می کرد، خیلی زود توسط پلیس دستگیر شد و ماجرای سرقت هایش به پایان رسید. او در گفت وگو با تیش به تشریح شگرد سرقت هایش پرداخت.

هلیانصرتی

تیش

❖ **شگردت برای سرقت چطور بود؟**

من در سایت هایی که آگهی فروش می دادند، جست و جو می کردم و با دیدن گوشی های تلفن همراه با فروشنده تماس می گرفتم. با این ترفند که خریدار هستم آنها را به محل قرار می کشاندم و به بهانه دیدن گوشی آنها و تطبیق گوشی و جعبه اش، اقدام به فرار کرده و گوشی را سرقت می کردم.

❖ **هر مدل گوشی را سرقت می کردی؟**

هر مدلی را که نه. گوشی ای که ارزش سرقت داشته باشد. مدل های بالای آیفون که حدود ۳۰ میلیون تومان قیمت دارد. گوشی زیر ۲۰ میلیون ارزش سرقت و به در دستر افتادن ندارد.

❖ **چه شد که تصمیم به سرقت گرفتی؟**

من خودم مالباخته هستم و اگر کلاه سرم نرفته بود، به تنها چیزی که فکر نمی کردم این بود که سرقت کنم.

❖ **چطور از تو سرقت کردند؟**

من در کار خرید و فروش خودرو هستم. در آخرین معامله

فروش خودرو سارق، ماشین و مدارک را برداشت و خودروی مرا برد. در این ماجرا بیش از ۵۰۰ میلیون تومان بدهکار شدم و از آنجا که توانایی پرداخت بدهی طلبکاران را نداشتم تصمیم به سرقت گرفتم. با خودم گفتم با همان شیوه ای که از من سرقت شد، از دیگران سرقت می کنم اما با مدلی متفاوت تر.

❖ **با گوشی های سرقتی چه می کردی؟**

جعبه گوشی را داشتم و خیلی راحت می فروختم. البته از من با قیمتی پایین تر می خریدند.

❖ **ظاهر ادیکی از سرقت ها، به جای این که سرقت کنی، از تو خفت گیری کرده اند؟**

بله. آنقدر شرایط بد بود که نامزدم بعد از آن ماجرا مریض شد و تحت درمان قرار گرفت.

❖ **چطور این اتفاق افتاد؟**

آگهی فروش گوشی را در فضای مجازی دیدم و با آنها

خانواده شاهین هنوز در شوک دستگیری پسرشان هستند. آنها سال ها سختی و مشکلات زندگی را تحمل کردند تا پسرشان در آسایش زندگی کند اما حالا او با دستبند روبه رویشان ایستاده. پدر می گوید: «با این کار کمرم را شکستی. نمی دانم کجای زندگی اشتباه کردم که تاوانش این بی آبرویی است.» پدر طاقت ندارد و از اداره بیرون می رود اما مادر در گوشه ای ایستاده و به پسرش خیره شده. وقتی افسر دستور می دهد شاهین را به بازداشتگاه ببرند، مادر چادر را روی صورتش می کشد و شانه هایش شروع به لرزیدن می کند.»

زنی

دزد

در یکی از سرقت ها

وقتی در محل قرار

حاضر شدم به جای

فروشنده گوشی

زورگیران در محل حاضر

شده و با تهدید و زور

گوشی ام را مقابل

چشمان نامزدم سرقت

کردند

دزد